

## نقش دانشگاه اسلامی - ایرانی در تولید علم دینی □

مهدی ایمانی<sup>۱</sup>  
دکتر صدرالدین شریعتی<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف** این مقاله، بررسی نقش دانشگاه اسلامی - ایرانی در تولید علم دینی است. بررسی پیوند علم و دین در اسلام، از مهم‌ترین موضوعات اساسی عصر حاضر است که سابقه‌ای دیرینه در تاریخ علم و تمدن اسلامی دارد. با این حال، پیشرفت سرسام‌آور علوم مختلف در غرب از یک سو و انحطاط علمی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی جهان اسلام از سوی دیگر، طرح این پرسش را در پی داشت که گویا اسلام با علم و دانایی مخالفت بنیادی دارد. ضرورت عصر جدید ایجاب می‌کند بازتعریف تازه‌ای از مفهوم دانشگاه در کشور صورت گیرد. این دانشگاه در عین اینکه بر دو منبع میراث اسلامی و ایرانی تکیه دارد، باید بتواند راه را برای اعتلای تمدن اسلامی - ایرانی در آینده فراهم کند. چنین حرکتی نیازمند توجه به ابعاد فرهنگی و تمدنی دانش است. **روش** تحقیق، کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک است. **یافته‌های** مقاله نشان می‌دهد که ما دانشگاه را به عنوان مظهر و نماد علم مدرن وارد کشور کرده و در بستری آن را کشت کرده‌ایم که هیچ‌گاه به ثمر نخواهد نشست؛ زیرا تناسبی با هویت و فرهنگ و تاریخ ما ندارد. در واقع؛ دانشگاه‌های ما عقبه‌ای در جامعه ندارند و برای تولید علم دینی با مشکل مواجهند. **نتیجه‌گیری:** از طریق دانشگاه اسلامی - ایرانی می‌توان به تولید علم دینی رسید و از آن طریق، باعث پیشرفت جامعه ایرانی - اسلامی شد.

**واژگان کلیدی:** دانشگاه، اسلامی، ایرانی، علم دینی، اسلامی سازی.

□ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۳ ؛ تصویب نهایی: ۹۰/۷/۸

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) / آدرس: تهران، دهکده المپیک، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی / شماره: ۰۲۱-۴۴۷۳۷۶۰۴ / Email: m\_imani34@yahoo.com  
۲. استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه علامه طباطبائی / Email: shariati@atu.ac.ir

## ▪ مقدمه

نظام آموزشی، نقطه اهرمی و گلوگاه کلیدی برای ایجاد هر گونه تحول در کشور به شمار می‌رود. هر روز انتظار می‌رود با همگرایی اصولی و حمایت جدی کارگزاران نظام اسلامی، نقش راهبردی و تحولی نظام آموزشی با محوریت قرآن و سیره نبوی (ص) متناسب با بافت و زمینه فرهنگی، بیش از گذشته در بهبود و اعتلای جامعه اسلامی نمود عملی یابد. (عباس‌پور، ۱۳۸۵، ص ۶۰۶)

غربی‌ها در طول سالیان دراز از طریق تبلیغات زهر آگین و دانشمندان خود سعی داشتند شرقی‌ها و به خصوص مسلمانان را موجوداتی «درجه دوم» معرفی کنند و دست به همان توجیهاتی بزنند که حکومت باستانی آتن از بردگان و غلامان ننگون‌بخت آن زمان می‌زد. ارسطو در عهد باستان، بردگان را موجوداتی ناقص و فاقد روح انسانی می‌دانست و بر آن بود که سرنوشت این افراد باید به دست کسانی سپرده شود که واجد چنین امتیازی هستند. در عصر نوین نیز فیلسوفانی چون *ارنست رنان* و *فریوید* بر این اعتقاد پای فشردند که غربی‌ها از نژاد کهن‌ترند یا آنکه دماغ غربی‌ها، دماغ علمی، اداری، انقلابی تمدن‌ساز و دماغ شرقی در نهایت، دماغی احساسی، عرفانی و انزواطلب است. مونتسکیو غربی‌ها را تافته جدا بافته یا «ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگر» معرفی می‌کرد. جالب است بدانیم که این طرز تفکر یا برداشت، هرگز بین مسلمانان و ایرانیان وجود نداشته و اگر در مواردی طرفدارانی پیدا می‌کرده، از سوی دانشمندان و فیلسوفان مسلمان که تحت نفوذ تعلیمات قرآن بودند، سخت مورد حمله و انتقاد قرار می‌گرفته است. (حسینی، ۱۳۶۹، ص ۱۰)

جالب این است که ما بر تقلید یا نسخه‌برداری از نظام اداری، سیاسی، قضایی، انتظامی و اجتماعی غربی‌ها سخت اصرار می‌ورزیم؛ در حالی که خود در این موارد تجاربی گرانبها داشته‌ایم. حتی مدارس، دانشگاهها، مؤسسات آموزش عالی و نهادهای تربیتی خود را بر مبنای دیدگاه و جهان‌بینی آنها استوار کرده‌ایم؛ در حالی که گنجینه‌هایی در گذشته حکمت و عرفان مشرق‌زمین به ویژه ایران اسلامی نهفته است که هنوز مؤسسات آموزشی و پژوهشی در عمل از آنها بیگانه‌اند و حال ما شده است به مصداق نظر حافظ که:

سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد  
و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

که بیانی است برای توصیف وضعیت عمومی مؤسسات آموزشی و دانشگاهی ما. (مورن، ۱۳۸۷)

در این شرایط بسیار حساس، ضروری است با نگاهی جامع به فرایند طراحی و پیاده‌سازی نظام آموزشی و دانشگاهی و مؤلفه‌های آن، قدر فرصت و موهبت تمسک به مبانی و اصول بایسته و شایسته اسلام را در تدوین چشم‌انداز، مأموریت، راهبردها و برنامه‌های عملیاتی نظام آموزشی بر اساس محوریت قرآن، سنت قطعی چهارده معصوم (ع)، عقل و علم بدانیم. (عباس‌پور، ۱۳۸۵، ص ۶۰۶)

تعلیم و تربیت و نظام دانشگاهی که مهم‌ترین رسالت نظام اسلامی است، هم در بُعد نظری باید به ارائه الگوهای فکری اقدام کند و هم قواعد عملی را برای نایل شدن به اهداف مورد نظر طراحی کند. (ملکی، ۱۳۸۹، ص ۲۰)

بنابر این، بر اساس تعالیم اسلام و قرآن و با توجه به شرایط بومی و فرهنگی ایران اسلامی، می‌بایست دانشگاه‌های کشور را در جهت پیشرفت اسلامی - ایرانی به حرکت درآوریم و به سمت تولید علمی که رنگ و بوی دینی داشته باشد، حرکت کنیم.

### ▪ دانشگاه اسلامی - ایرانی

دانشگاه به معنای محل دانش و علم و معادل با یونیورسیتی آمده است (لغت نامه دهخدا) و از لحاظ لغوی، بر محل دانش تأکید دارد، نه صرفاً محل درس دادن که معنی مدرسه را می‌دهد. امروزه دانشگاه یک واژه چند معنایی است: محل آموزش، محل ارائه درس، محل تربیت کارشناسان مورد نیاز سازمان ها، محل پژوهش، محل نقادی سیستم های اجتماعی، فرهنگی، علمی، محل اندیشه ورزی و خلاقیت و نو آوری...، همه این کارکردهای متنوع و متضاد در موقعیت هایی تحقق می پذیرد یا انتظار می رود تحقق یابد که دانشگاه نامیده می شود. (یمنی، ۱۳۸۸، ص ۲۶)

در این پژوهش، دانشگاه اسلامی - ایرانی، دانشگاهی است که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام (قرآن و احادیث) و متناسب با شرایط تاریخی، ملی و فرهنگی جامعه ایرانی ایجاد شده باشد. همچنین در این پژوهش، واژه‌های اسلامی و ایرانی، عجین هم هستند و لازم و ملزوم یکدیگر؛ یعنی دانشگاهی که در جامعه ایرانی با فرهنگ و تمدن ایرانی و بر اساس دین مبین اسلام باشد.

### ▪ رسالت دانشگاه اسلامی - ایرانی

نظامهای آموزش عالی در جهت نیل به اهداف مشخصی فعالیت می‌کنند و دارای رسالت و مأموریت ویژه هستند. اغلب صاحب‌نظران، رسالت آموزش عالی را در ارتباط با آرمانها و نظام ارزشی جامعه، در امر تولید و غنابخشی به دانش و فرهنگ کشور، تربیت نیروی متخصص و حل مسائل اجتماعی و فرهنگی می‌دانند (شریعتمداری، ۱۳۸۱؛ ذاکر صالحی، ۱۳۸۳؛ نیاز آذری ۱۳۸۱؛ قورچیان، ۱۳۷۸). حتی در وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مصوب سال ۱۳۸۰)؛ اعتلای موقعیت آموزشی، علمی و فنی کشور و تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزشهای انسانی و اسلامی و اعتلای جلوه‌های هنر و زیباشناسی و میراث علمی تمدن ایرانی و اسلامی دیده می‌شود. (آفازاده، ۱۳۸۷، ص ۹۵)

با توجه به موارد پیش گفته، متأسفانه آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران با تمامی سابقه تمدنی خود، امروزه در جایگاهی نیست که بتواند به رسالت و وظیفه‌ای که بر عهده دارد، جامعه عمل ببوشاند. رویارویی با علم

## نقش دانشگاه اسلامی - ایرانی در تولید علم دینی ❖ ۹۱

و فرهنگ جدید غرب که از قرن نوزدهم میلادی آغاز شد، موجب طرد سنتها و فرهنگ اسلامی و استقرار نظام آموزشی به سبک غربی شد. اگر چه دگرگونی در نظام آموزش عالی ایران اجتناب‌ناپذیر بود، ولی تقلید کورکورانه نیز جایز نبود. بنابر این، الگوپذیری از جهان غرب، آن هم به صورت کاملاً قشری نگر و تقلیدی، گریبانگیر آموزش عالی ایران است. (زارع، ۱۳۸۷، ص ۴۰)

### ▪ ضرورت و اهمیت دانشگاه اسلامی ایرانی

تمدنهای بشری در اصل از ادیان و مذاهب سرچشمه گرفته، سپس به تناسب اوضاع و احوال توسعه یافته اند. بنابر این، می‌توان ادعا کرد که نظام آموزشی و تعلیم و تربیت هم در پرتو دین پدیدار شده است. تأکید بزرگانی چون شهید مطهری بر اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام از همین منظر در خور توجه است؛ چرا که نظام تعلیمی و آموزشی را از منظر اسلامی و با تجربه دینی پیوند زده و فهم می‌کنند. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۲۰)

ضرورت عصر جدید ایجاب می‌کند بازتعریف تازه‌ای از مفهوم دانشگاه در کشور صورت گیرد. این دانشگاه در عین اینکه بر دو منبع میراث اسلامی و ایرانی تکیه دارد، باید بتواند راه را برای اعتلای تمدن اسلامی ایرانی در آینده فراهم کند. چنین حرکتی نیازمند توجه به ابعاد فرهنگی و تمدنی دانش است. در عصر جدید نقش تازه‌ای بر دوش دانشگاهها قرار داده شده است. بر این اساس، نقش و وظیفه دانشگاه علاوه بر تولید فناوری، حفظ مزیت‌های فرهنگی، نوآوری در حوزه دستاوردهای انسانی و احیای تمدنی خواهد بود. این اندیشه نیازمند توجه دانشگاه به وظایف خود در تمامی عرصه‌های تمدنی است و این یعنی اینکه دانشگاه با وسعت نظر در حوزه سیاستگذاری بتواند هم ضرورت‌های فناورانه تمدنی را پیگیری کند و هم الزامات فرهنگی و انسانی آن را از نظر دور ندارد. بی‌تردید نیل به قله‌های تعالی و توسعه برای هر ملتی در گرو برخورداری از تمدنی بزرگ و اصیل است. در ایران اسلامی نیز تنها با احیای تمدن کهن، باشکوه، خردمدار و دین‌محور ایرانی این امر محقق می‌شود. در همین راستا، نظام آموزش عالی کشور نیز به ناگزیر باید در جستجوی ارائه الگویی از دانشگاه فعال و سرآمد باشد که بتواند در کنار حفظ باورها و اعتقادات دینی و توجه به دیرینه باستانی و اسلامی، توسعه علمی، پژوهشی و مهندسی دانش، بینش، باورها و فرهنگ جامعه را محقق سازد. رسالت اصلی این طرح نوین، تربیت همه‌جانبه نسلی دیندار و دانش‌پژوه است؛ نسلی مادی و معنوی، نسلی اخلاقی و علمی، نسلی که بتواند تمدن نوین اسلامی و ایرانی را محقق سازد. (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱)

هر نظام آموزشی بر اساس جغرافیای خاص خود و نیازها، پیشینه تاریخی نظامها و ارزشهای موجود در جامعه مفهوم می‌یابد. وارد کردن بی‌کم و کاست نظام آموزشی یک جامعه به جامعه دیگر که وضعیت تاریخی، فرهنگی و ارزشی متفاوتی دارد، منجر به شکل‌گیری یک نظام غیر کارآمد می‌شود.

دانشگاه محلی است که باید متناسب با فرهنگ جامعه باشد و اگر قرار باشد دانشگاه به نقادی فرهنگی جامعه بپردازد، باید در وهله اول از دل جامعه روئیده باشد. از سوی دیگر، دانشگاه محل تربیت انسان است؛ اما چه انسانی؟ انسانی که در دیدگاه غرب است؛ یعنی انسان فقط مادی؟! همچنین دانشگاه محل تولید علم است؛ اما علمی که بر اساس جهان‌بینی اسلامی به دست آمده باشد. داشتن دانشگاه اسلامی منوط به داشتن علوم اسلامی است و این علم زمانی فراهم می‌شود که اولاً، علم را به حریم هندسه معرفت دینی راه دهیم و چتر دین را بر سر آن بگسترانیم و ثانیاً، طبیعت را خلقت ببینیم و میان طبیعت‌شناسی و الهیات، وفاق و آشتی برقرار کنیم. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰)

در جهان‌بینی غربی، دانشگاه به منزله نهادی تعریف می‌شود که انسان را قادر می‌کند تا روز به روز بیشتر بر طبیعت تسلط یابد. در چنین بستری تعریف دانشگاه به استناد کارکردهای آن صورت می‌گیرد. این کارکردها نیز به اندازه‌ای مضیق است که انسان در متن آن گم می‌شود. از این منظر، غایت، انسان نیست؛ بلکه فناوری و غلبه بر طبیعت است. ثمرات علمی این نوع نگرش و رویکرد به دانشگاه در تعریف نظام آموزش و برنامه‌های درسی دانشگاهی به خوبی مشهود است. تطابق کامل نظام و الگوی دانشگاهی در کشورهای غیر غربی موجب می‌شود که دانشجو و محقق با فضای سنتی خود احساس دوگانگی و تعارض کند؛ چرا که نظام آموزشی خود را متناسب مقتضیات دینی، اجتماعی و اخلاقی‌ای نمی‌یابد که تاکنون در آن تنفس کرده است. حضرت امام (ره) با درک تفاوت بنیادین مفهوم دانشگاه در جهان‌بینی اسلامی با مفهوم غربی‌شده آن، در جای‌جای سخنان خود از لزوم توجه به کمال انسان و وصول آن به جایگاه والای خلیفه‌اللهی تأکید می‌کنند. (خواججه‌سروی، ۱۳۸۷، ص ۳۷۴)

### ▪ مفهوم علم دینی

از نظر تاریخی، هسته آغازین اندیشه علم دینی به زمان ظهور ناتوانی علم جدید در شناخت جهان و انسان برمی‌گردد. این گرایش در بین مسلمانان در قرن نوزدهم و پس از آشنایی با علوم جدید و گرفتار شدن کشورهای اسلامی در قلمرو نفوذ استعمار اروپایی شکل گرفت. امروزه دیگر بر همگان آشکار شده که علوم جدید و غیردینی دچار برخی محدودیتها و کاستی‌های نظری و نیز پیامدهای منفی عملی‌اند. از این رو، چندی است که در جهان غرب در راستای رفع این نواقص، مسئله «الهی کردن علم» یا «علم خدا

باورانه» مطرح شده است و به طور روز افزون، دانشمندان و متخصصان علوم تجربی به سوی دین و معنویت گرایش پیدا کرده‌اند. (اسدی، ۱۳۸۸، ص ۵)

پس دینی‌سازی علم و دانش و دانشگاه، مسئله‌ای نیست که فقط در حوزه دین اسلام پیشنهاد شده باشد، بلکه تلاشی جهانی است که در مکانها و زمانهای مختلف بیان شده است؛ از جمله می‌توان به بیانیه صادره از کنفرانس یونسکو با عنوان «علم و فرهنگ در قرن ۲۱» اشاره کرد که در سپتامبر ۱۹۸۹ در کانادا برگزار شد. در این بیانیه تصریح شده است که برقراری پیوند میان علم و ارزشها یک ضرورت محسوب می‌شود و نقش دین در حیات بشری نباید نادیده گرفته شود.

### ▪ تعریف علم دینی

از علم دینی تعاریف مختلفی شده است:

- در یک تعریف، علم دینی به علمی اطلاق شده است که با هدف تبیین و تفسیر کتاب و سنت تدوین می‌شود (خسروپناه، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱) و به تعبیر دیگر؛ اندیشه‌های ناب دینی و علوم و معارفی که از مبانی و آموزه‌های بنیادین حاصل شده باشد و از تفسیر و تبیین کتاب و سنت به دست آیند. (همان، ص ۳۶۲)
- «جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می‌کند که هر علم مفید و نافع را که برای جامعه اسلامی لازم و ضروری است، علم دینی بخوانیم». (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۱۴۶)
- اگر مطالعه طبیعت، جامعه و انسان در چارچوب جهان‌بینی دینی انجام گیرد، آن را علم دینی می‌خوانیم و اگر فارغ از جهان‌بینی دینی صورت گیرد، آن را علم سکولار و جدید می‌نامیم. (ر.ک.ب: گلشنی، ۱۳۷۷، ص ۳۳-۳۴)
- «علمی که در فضای فرهنگ و تمدن جوامع اسلامی نضج و رشد نموده‌اند؛ مثل طب، ریاضیات، نجوم و سایر علوم اسلامی». (خسروپناه، ۱۳۷۹، ص ۳۶۲)
- برخی معتقدند منظور از علم دینی آن است که کشفیات علم را به قرآن و احادیث برگردانیم و حتی در پژوهش و تحقیق در علوم تجربی از قرآن و حدیث استفاده کنیم. (لطفاوی؛ به نقل از: صاحبی، ۱۳۸۲، ص ۷۸)
- علم دینی به معنای نوعی «پیوند میان علم و دین، به این صورت است که آموزه‌های بنیادی دین، به عنوان پیش فرضهای علم در نظر گرفته شود و عالم با اتکا به این پیش فرضها و با الهام گرفتن از آنها، فرضیه‌هایی را در خصوص موضوعات مورد مطالعه فراهم آورد. این فرضیه‌ها دو بُعد دارد؛ از یک سو ملهم از آموزه‌های دینی است و از سوی دیگر، حاصل پردازش عالمان است» (باقری، ۱۳۷۹، ص ۵۳). از نظر مدافعان این دیدگاه؛ علم نمی‌تواند خنثی و فارغ از پیش فرضهای معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه متافیزیکی و ایدئولوژی باشد. بنابر این، فرایند علم به نحوی است که می‌تواند با زمینه‌های

دینی و متافیزیکی خدا باورانه شکل بگیرد و می‌تواند با پیش‌فرضهای غیر دینی یا ضد دینی آغاز شود. (خسروپناه، ۱۳۷۹، ص ۳۵۸)

با جمع‌بندی تعاریف گوناگون، در باب علم دینی می‌توان گفت: «علم دینی» علمی است که یا به طور مستقیم از متون دینی اخذ شده، یا ملهم از مبانی معرفتی و منابع معتبر دینی بوده، یا اینکه حاصل فعالیتهای تجربی و اکتسابی و عقلانی بشری به شرط انطباق با اصول و مبانی دینی باشد. بنابر این، علمی را که با روشهای مخالف آموزه‌های دینی تولید می‌شوند یا در جهت تضعیف تعالیم و اعتقادات دینی به کار گرفته می‌شوند، نمی‌توان علم دینی دانست.

این تعریف، هم با فرضیه جهت‌داری ذاتی علم همخوانی و سازگاری دارد و هم با نظریه‌ای که علم را ذاتاً لاقضای بی‌جهت می‌داند. مطابق این تعریف؛ همه دانشمندان، اعم از عالمان دینی و تجربی، باید همواره با دو چشم بنگرند؛ از یک سو به اصالت آموزه‌های وحیانی باور داشته باشند و همه علوم و نتایج آن را با تعالیم وحی تطبیق دهند و از سوی دیگر، باید دستاوردهای علمی و تلاشهای عقلی بشری را مورد توجه قرار دهند و مقتضیات و نیازهای زمانه و عصری را در نظر آورند و این دو مبنا را در مهندسی نظام فرهنگی علمی و بازسازی معرفت دینی، ملحوظ بدارند. (نکوئی سامانی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸)

«دینی کردن علم» به معنای کشف، تدوین، ابلاغ و نشر معرفت از زاویه جهان‌بینی اسلامی در باره جهان، زندگی و انسان است. عده‌ای دیگر آن را قطع ارتباط میان دستاوردهای علمی، تمدنی بشری و منابع فلسفی تحصیلی با انواع مختلفی که دارد و به کارگیری مجدد این علوم در یک نظام روشمند دینی غیر تحصیلی می‌دانند. منظور از علم دینی، افزودن عبارتهای دینی به مباحث علوم از راه آیات قرآنی متناسب با آن موضوعات برای اسلامی‌سازی آنها نیست، بلکه منظور بازسازی روشمند و معرفتی علوم و قوانین آن است. (ویسی، ۱۳۸۴، ص ۱۵)

#### ▪ رابطه علم و دین از دیدگاه مقام معظم رهبری

«نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب قرار نمی‌گیرد. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شد. البته آنها حق داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهمات و خرافاتی بود با عنوان دین. دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که عقده‌ها و گره‌ها در ذهن دانشمندان و نخبگان و زبندگان فکری باقی بماند و برایش راه علاجهای ضد دینی و غیر دینی پیدا کنند. لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آنها مسئله است. اما مسئله

## نقش دانشگاه اسلامی - ایرانی در تولید علم دینی ♦ ۹۵

ما این نیست. در جهان بینی ما، علم از دل دین می جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می شناسیم، جهان بینی دینی ای که ما از قرآن می گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراء الطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولید کننده و تشویق کننده علم است. نمونه اش در تاریخ واضح است؛ حرکت علمی در قرون اولیه اسلام بر اثر تشویق اسلام آن چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی سابقه بود - در همه زمینه ها - و علم و دین با هم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد. پایه و مبنای علوم، علوم انسانی ای که امروز در غرب مطرح است، بر مبنای یک معرفت ضد دینی و غیر دینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار استادان دانشگاهها، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶)

«روزی که غرب در دوره رنسانس، علم و سیاست و روش زندگی را از دین جدا کرد، می خواستند به جای بهشتی که ادیان به انسانها وعده می دهند، در دنیا برایشان بهشت بسازند. این بهشت، امروز به جهنم تبدیل شده؛ خودشان هم این را می گویند. یک روز اینها با دین مخالفت کردند. البته دینی که روشنفکری اروپا با آن مخالفت کرد، لایق زندگی بشری نبود؛ دین پر از خرافات بود؛ همان دینی که گالیله را به اعدام محکوم می کند و یکی دیگر را زیر شکنجه می کشد به خاطر اینکه یک کشف علمی کرده! دین مسیحیت تحریف شده، نه مسیحیت واقعی. ایرادی به جدا شدن از آن دین نیست؛ ایراد به جدا کردن معنویت و اخلاق از علم و سیاست و نظام زندگی و روابط فردی و اجتماعی است. علم و عقل را مطلق کردند و گفتند دین کنار برود و علم و عقل بیاید.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از استادان و اعضای هیئت علمی، نخبگان و رؤسای دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸)

«این تحلیلی است که آنها می کنند. این تحلیل، تحلیل غلطی است؛ یعنی ناشی از حقایق و واقعیات نیست. اولاً قرون وسطایی که آنها می گویند، قرون وسطای دوران جهالت و بدبختی اروپاست، نه دوران عقب ماندگی علمی همه جای دنیا؛ اینها اروپا را تعمیم می دهند. حالا فرض بفرمایید اوج قرون وسطی و تاریکی قرون وسطی چه زمانی است؟ قرنهای دهم و یازدهم و دوازدهم میلادی است؛ یعنی قرنهای چهارم و پنجم و ششم هجری؛ یعنی اوج شکوفایی علمی کشورهای اسلامی و در رأس همه، ایران؛ یعنی قرن ولادت و زندگی ابن سینا و رازی و فارابی و دیگران. همه این شخصیتها بزرگ، آفتابهای هستند که از این طرف دنیا تابیدند.

«قرن چهارم هجری، قرن اوج شکوفایی تمدن اسلامی است. اگر کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم را مطالعه کنید، خواهید دید که در قرن چهارم هجری - یعنی همان قرن یازدهم میلادی؛ یعنی اوج ظلمت



جهل در اروپا که هیچ چیز نبوده - اوج شکوفایی اسلامی مربوط به ایران است. دانشمندی هم که هستند - جز تعداد خیلی معدودی - تقریباً همه ایرانی‌اند؛ در حالی که دین و دینداری در همان اوقات در ایران از اروپا کمتر که نبود، خیلی بیشتر هم بود. پس، این دین نیست که مانع از پیشرفت علمی می‌شود. آن چیست؟ آن، جهالت‌های گوناگون مردم است؛ خرافات مسیحیت آن روز است. هرگز در دوره اسلامی دیده نشد که یک عالم به جرم علم، مورد اهانت قرار گیرد؛ در حالی که در اروپا به جرم علم یکی را کشتند، یکی را سنگسار کردند، یکی را به دار زدند، تعداد زیادی را آتش زدند! یعنی آنها آنچه را که در آنجا اتفاق افتاده و ناشی از دین خرافی آمیخته به شدت جهالت‌زده مسیحیت تحریف شده بود، به همه دنیا تعمیم دادند. گناه اسلام چیست؟ گناه مسلمانان چیست؟ گناه ملت‌های اسلامی چیست؟

دین، طرفدار و مشوق علم است. آن کسانی که علمای بزرگ هستند - به جز موارد بسیار معدودی - همه جزء علمای بالله‌اند. مثلاً ابن سینای پزشکی که کتاب قانونش تا اندکی پیش - یعنی بعد از هزار سال - در اروپا به عنوان یک منبع در دانشگاهها مورد مراجعه بوده، یک عالم دینی است؛ آدمی است که در عرفان می‌نویسد، در فلسفه هم می‌نویسد. فارابی و دیگران هم همین طور بودند. البته، موارد بسیار معدودی هم وجود دارد که از این قبیل نبودند؛ یعنی عالم علوم طبیعی، عالم دین به حساب نمی‌آمده است. از این قبیل هم داریم؛ اما کم. بنابر این، علم و دین با هم پیش رفتند و دین به علم کمک کرده است. «بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نخبگان علمی سراسر کشور، ۱۹/۰۷/۱۳۷۸»

استاد شهید مطهری همین مطلب را مورد تأیید قرار داده، می‌گوید:

«این قدرت علمی و فنی بشر است که می‌بینیم امروز آهنگ سفر به افلاک کرده و به کره ماه می‌رود. در دریا، صحرا و در فضا نقطه‌ای نیست که قدرت بشر نتواند آنجا را تسخیر کند. ولی یک جا مانده است و آنجا را قدرت نیافته تا تصرف کند و آن، نفس روح خودش است. با این همه پیشرفت در مرحله علم و فن، در ناحیه آدمیت، در ناحیه خوی انسانی، در ناحیه انسانیت... متأسفانه پیشرفتی حاصل نشده است؛ چون این کار علم نیست، کار ایمان است.» (غفوری، ۱۳۸۵، ص ۵۳)

## ▪ نتیجه‌گیری

در نتیجه با توجه به آنچه گفته شد نقش اسلامی ایرانی در دانشگاه‌های ما این است که آموزش عالی هر جامعه‌ای نمی‌تواند جدا از فرهنگ و سابقه تمدنی و مکتب و سنت علمی آن باشد و به رشد هم برسد. دانشگاه باید جهان‌بینی و قالب‌های فکری جامعه را درک کرده، در برقراری ارتباط و سازگاری با آن بکوشد. نظام آموزشی دانشگاهی هر جامعه در ارتباط تنگاتنگ با حوزه فرهنگی و تمدنی آن جامعه قرار

دارد. بنابر این، می‌بایست به دانشگاه بر اساس مبانی فکری و اعتقادی اسلام و حوزه فرهنگ و تمدنی ایران نگاه شود.

از سوی دیگر، به طور قطع بحث اندیشه‌ورزی و خردورزی علمی، از مباحث حیاتی امروز ماست. با پیروزی انقلاب اسلامی در انتظار یک رویش جدید در عرصه علم و فناوری بودیم، اما متأسفانه به دلایلی هر چه از ابتدای انقلاب بیشتر فاصله می‌گیریم، از آن حال و هوا دورتر می‌شویم. امروز شاهد تبلیغ و اشاعه و تقویت تصویری از علم و فناوری در کشور هستیم که حتی در خود غرب هم این تصویر، متروک و منسوخ شده است. نگاه غربی پوزیتیویستی به علم بر دانشگاه‌های ما حاکم شده و متأسفانه شاهدیم که به دلیل غفلت از مبانی متافیزیکی پوزیتیویسم، نوعی اثبات‌گرایی کور بر دانشگاه‌ها حاکم است و به علت در جا زدن و مصرفی بودن ما در علم، نگاه تقلیدی و بی‌توجهی به مبانی متافیزیکی علم و فقدان پیوند بین دانش نظری و دانش علمی حکمفرماست.

همچنین توجه به دانش بومی، متناسب با نیازهای اجتماعی و فرهنگی است. ما در دوران شکوفایی تمدن اسلامی در ایران، اولاً شاهد معرفتی هماهنگ‌تر بودیم؛ ثانیاً، پیوند دانش نظری و عملی محکم‌تر بود و دانشمند ما آن چنان که می‌زیست، خردورزی می‌کرد و آن چنان که خردورزی علمی می‌کرد، زندگی می‌کرد. چه بسا هم اکنون این پیوند در غرب بیشتر از کشور ماست. دانشمند غربی با خردورزی علمی خود که ریشه در نیازهای جامعه‌اش دارد، زندگی می‌کند؛ اما ما از زندگی او تقلید می‌کنیم. با توجه به ماهیت نیازهای بشری، به طور قطع نیازهای انسان غربی با انسان شرقی در بسیاری از جهات با یکدیگر تفاوت دارد. مقایسه کشور ما با غرب، حتی در رویکرد پوزیتیویستی و تکامل‌گرا به لحاظ منطقی نیز درست نیست.

در نهایت بر اساس ابعاد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، این تحقیق در صدد است مبانی نظام دانشگاهی جدید را متناسب با این الگو معرفی کند، که بر اساس آن کلیدی‌ترین نهادی که در هر چهار عرصه نقش اصلی می‌تواند داشته باشد، دانشگاه است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹) دانشگاه می‌بایست علمی تولید کند که متناسب با مبانی فکری ایران اسلامی و دین مقدس اسلام باشد.



## منابع

- آقازاده، احمد (۱۳۸۷)؛ مسائل آموزش و پرورش ایران، تهران، سمت.
- اسدی، محمدرضا و مریم حیدری (۱۳۸۸)؛ «علم دینی، رویکردها و چالشها»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، ش ۹.
- باقری، خسرو (۱۳۷۹)؛ «وجه تسمیه علم دینی»، فصلنامه مصباح، ش ۳۵.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۸)؛ «تأملاتی در فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی (ره).
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۴)؛ «جایگاه فلسفه و علوم انسانی در دانشگاه گندی شاپور»، مجموعه مقالات همایش گندی شاپور در گذر زمان، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)؛ منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، اسراء.
- حسینی، علی اکبر (۱۳۶۹)؛ مباحثی چند پیرامون مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹)؛ «ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳ آذر.
- خرمشاد، محمدباقر و علی آدمی (۱۳۸۸)؛ «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش ۶.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹)؛ کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه.
- خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۷)؛ دانشگاه اسلامی به مثابه راهبرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه ارزش و دانش، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- داوری، رضا (۱۳۶۷)؛ شمه‌ای از تاریخ غربزدگی ما (وضع کنونی تفکر در ایران)، تهران، سروش.
- دلاور، علی (۱۳۸۷)؛ «روش تحقیق با تأکید بر روانشناسی علوم تربیتی»، انتشارات ویرایش
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۳)؛ دانشگاه ایرانی، [بی‌جا]، کویر.
- زارع، حسین و همکاران (۱۳۸۷)؛ سازمان یاد دهنده، اصفهان، جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.

نقش دانشگاه اسلامی - ایرانی در تولید علم دینی ❖ ۹۹

- شریعتمداری، علی (۱۳۸۱)؛ چگونگی ارتقای سطح علمی کشور، [بی‌جا]، فراشناختی اندیشه، [،] [بی‌نا].
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۲)؛ سرچشمه‌های نواندیشی دینی، [بی‌جا]، احیاگران.
- عباس پور، عباس (۱۳۸۵)؛ در جستجوی مدلی انطباقی بر مبنای سیره نبوی برای تحول راهبردی در نظام آموزش و پرورش ایران، [بی‌جا]، [بی‌نا].
- غفوری، محمد (۱۳۸۵)؛ «بررسی مفهومی علم سکولار و علم دینی»، فصلنامه پیک نور، دانشگاه پیام نور، سال چهارم، ش ۱.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹)؛ «دانشگاه و آموزش عالی»، تهران، نی.
- قورچیان، نادرقلی (۱۳۷۸)؛ «بصیرت به چالشها و شیوه‌های نو در مدیریت دانشگاهها»، نشریه دانش مدیریت، سال دوازدهم ش ۴۷.
- گلشنی، مهدی (۱۳۷۷)؛ از علم سکولار تا علم دینی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)؛ ۵۵ گفتار، تهران، صدرا.
- ملکی، ح سن (۱۳۸۹)؛ تعلیم و تربیت اسلامی، رویکرد کلان‌نگر، [بی‌جا]، عابد.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۷)؛ دین و تربیت علمی، درآمدی بر دانشگاه اسلامی، مجموعه ارزش و دانش، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- مورن، ادگار و همکاران (۱۳۸۷)؛ اندیشه پیچیده و روش یادگیری در عصر سیاره‌ای، ترجمه محمد یمنی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نجم‌آبادی، محمود (۱۳۷۱)؛ تاریخ طب در ایران، جلد اول، تهران، دانشگاه تهران.
- نکوئی سامانی، مهدی (۱۳۸۷)؛ «علم دینی امکان یا امتناع»، فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، ش ۱.
- نیازی آذری، کیومرث (۱۳۸۱)؛ رفتار روابط انسانی در سازمانهای آموزشی هزاره سوم، [بی‌جا]، فراشناختی اندیشه.

- ویسی، زاهد (۱۳۸۴)؛ «اسلامی سازی دانش»، کتاب نقد، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۳۴.
- یمنی، محمد (۱۳۸۸)؛ دانشگاه سازگار شونده، مجموعه رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

